

درآمدی بر رديهنويسی دينی در عصر صفویه و دوران نخستین قاجاریه  
وضعیت پیروان کیش مسیح و یهود در ایران  
بلّغین اروپائی در ایران و آثارشان  
کاپوهای مبلّغین اروپائی بعد از انقراض صفویه و ایجاد جنبش رديهنويسی  
غیر کیش و نوع تفکر جدید الاسلامها

**درآمدی بر رديهنويسی دينی در عصر صفویه و دوران نخستین قاجاریه**

طاهره عظیمزاده

چکیده :

در دوران صفویه و آغاز قاجاریه، بسیاری از مسیحیان و یهودیان در ایران زندگی می‌کردند، چنانکه شمار آنان از زرتشتیان ایرانی نژاد بیشتر بود.

به علت وضعیت سیاسی خاص این دوران شمار بسیاری از سفرا و نمایندگان سیاسی اروپا به ایران می‌آمدند و معمولاً هیئت‌های تبلیغی مسیحی نیز آنها را همراهی می‌کردند. این هیئت‌ها به تبلیغ آئین مسیحیت پرداخته همچنین زمینه را برای حکومت‌های استعماری آماده می‌کردند. یکی از مهمترین فعالیت‌های آنها نوشتن کتاب‌هایی بر ضد اسلام و در دفاع از حقانیت مذهب خودشان بود. علمای مسلمان و نیز مسلمانان (جدید الاسلامها) کتاب‌های زیادی بر ضد آنها نوشتند، چنانکه ادبیات گسترده‌ای در این زمینه به وجود آمد.

این مقاله این ادبیات را در عصر صفویه و قاجاریه مورد بررسی قرار می‌دهد.

کلیدواژه: مسیحیت و یهودیت در ایران، مبلغان مسیحی، علل و انگیزه های تغییر دین، جدیدالاسلامها، ترجمه های فارسی و عربی کتاب مقدس، رديهنويسی.

بحث و مناظره بین مسلمانان و یهودیان و نصاری و رد نوشتن بر آئین یکدیگر پیشینه‌ای طولانی در تاریخ اسلام دارد. در ایران از عصر صفوی به بعد بحث‌های کلامی و اعتقادی میان پیروان این ادیان رشد بیشتری کرد و آثاری گسترده در زمینه رد نویسی، در جامعه مسلمانان بوجود آورد. این رديه‌ها بطور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

1 - مناقضاتی که توسط علماء و صاحب نظران مسلمان نوشته شده‌اند.

2 - ردی که جدید الاسلامها بعد از مسلمانی بر ضد آئین خود نگاشته‌اند.

این نوشتار در صدد آن است که بعنوان پیش درآمدی، زمینه ها و چگونگی رد نویسی در ایران عصر صفویه و دوران نخستین حکومت قاجار را بررسی کند. البته این مطالب بدین جهت مطرح نمی‌گردد که اختلافات بین مسیحیان و یهودیان و مسلمانان را آشکار کند، بلکه هدف آن این است که از يك سو با نوع فعالیت‌های مبلغین اروپائی و نقشی که آنان و دولتهایشان در این دو قرن در وجود آمدن کتب رد نویسی داشته‌اند آشنا شده و از سوي دیگر نگرش و نقش جدید الاسلامها را در این زمان روشن کند.

همانطور که ذکر شد این نوشته مقدمه‌ای است بر يك بحث اساسی در تاریخ تفکر مذهبی - اجتماعی این مرز و بوم و ادبیاتی که در این زمینه خلق شده‌اند. برای این منظور وضعیت پیروان کیش مسیح و یهود در ایران؛ مبلغین اروپائی در ایران و آثارشان؛ واکنش ندیشمندان مسلمان ایرانی در برابر آنها؛ وضعیت تغییر کیش و نوع تفکر جدیدالاسلامها مطرح شده‌اند.

**وضعیت پیروان کیش مسیح و یهود در ایران**

وسعت سرزمین ایران در روزگار صفویه و موقعیت خاص جغرافیائی و سیاسی آن سبب گردید که تعداد زیادی مسیحی و یهودی کنار مسلمین زندگی کنند؛ بطوریکه جمعیت پیروان این ادیان بسیار فزونتر از زرتشتیان گردید که پیروان دین رسمی ایران قبل از اسلام بودند. 1 شاه عباس یکم (سلطنت 1038-1629/996-1589) بعد از تسخیر گرجستان، یهودیان شهر زعم را که نسبت به شاه ایران اظهار اطاعت کرده بودند به مازندران (لوی، 1051/3) و مسیحیان را از گرجستان و ارمنستان به اصفهان و مازندران منتقل کرد. جمعیت یهود ایران را در زمان سلطنت شاه عباس یکم سیصد هزار تن ذکر کرده‌اند که بتدریج این جمعیت به عالی، چون از دست دادن نواحی یهودی نشین، گشت و کشتار، تغییر کیش و مهاجرت تقلیل یافت؛ بطوریکه در آغاز سلطنت فتحعلیشاه (1250-

1796-1834/1212) به پنجاه هزار تن رسیدند (همانجا).

مسیحیان نیز جمعیت زیادی را تشکیل می‌دادند. شهر ارمنی نشین جلفا در نزدیکی اصفهان ابتدا با بیست هزار نفر توسط شاه عباس تشکیل گردید. این عده بسرعت افزایش یافت. در سال 1699/1110 جمعیت آن به حدود چهل هزار تن رسید (لاکهارت، 567). ژوبر 2 فرانسوی که در دوران سلطنت فتحعلیشاه به ایران آمد، جمعیت ارمنه را هفتاد هزار تن ذکر کرده است (به نقل از رائین، 4).

همسایگی و رفت و آمد معتقدین به این ادیان با مسلمانان در تشویق علماء به نوشتن کتاب درباره مسیحیت و یهودیت نقش داشت. اما مسأله اساسی که زمینه رشد و نوشتن کتاب بر ضد آراء مسیحیان و یهودیان را فراهم کرد، گسترش روابط بین ایران و اروپا از عصر صفویه به بعد بود.

### مبّغین اروپایی در ایران و آثارشان

ایران در این زمن هر روز پذیرای سفراء و نمایندگان سیاسی کشورهای اروپایی بود که اکثراً با يك هیأت تبلیغاتی همراهی می‌شدند. این گروه تبلیغاتی مذهبی، همچون بازوی کشورهای اروپایی در کشورهای شرقی عمل کردند و زمینه را برای منافع استعماری آنها فراهم می‌آوردند. دکتر عبدالهادی حائری در کتاب نخستین رویاروییهای اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، ثابت کرده است که چگونه کلیسای کاتولیک، کشیشان آزموده خود را با برخورداری از پشتیبانی پادشاهان اروپا به دربار ایران و کشورهای خاور زمین فرستاد، تا آن حاکمان بتوانند از راههای متعدد به خواستههای استعماری دست یابند (حائری، فصلهای 11 و 12).

در اواخر قرن 9 / 15 م، پاپ سرزمینهای کشف و فتح شده را بین اسپانیا و پرتغال تقسیم کرد با این شرط که آن دو دولت استعمارگر در مسیحی ساختن مردم این سرزمینها کوشش کنند. پادشاه فرانسه، لویی سیزدهم به فرستاده خود لویی دهی 3 که در سال 1626/036 به ایران اعزام شده بود، صریحاً خاطر نشان ساخت که علت حقیقی که آقای دهی برای آن فرستاده می‌شود، برقراری مذهب کاتولیک در ایران و به دست آوردن تجارت و تفوق فرانسه در این کشور است (همو، 476). تأسیس کمپانی فرانسوی هند شرقی مدیون اطلاعات و تجربیات یکی از همین کشیشان به نام رافائل دومان بود که سالها در ایران بسر برد (1108-1696/1055-1645) و منافع سیاسی دولت استعماری فرانسه را فراهم کرد.

وی آگاهیهای خود را بصورت کتابی به نام کشور ایران در سال 1660/1071 به رشته تحریر درآورد و در اختیار دولت فرانسه گذاشت (میراحمدی، 113). پس از این مبّغین مسیحی وارد خاور زمین شدند. این مبّغین از فرقه‌های آگوستین: شاخه‌ای از دومینکن‌ها، کاپوسین: شاخه‌ای از فرانسیسکنها، و کرملی بودند که بتدریج کشیشان پروتستان و یسوعی نیز به آنها اضافه گردیدند. این مبّغین اروپایی کتبی به نفع آئین یهود و نصارا و مخالفت با اسلام تألیف کردند. علمای مسلمان هم در برابر آنها واکنش نشان دادند، در نتیجه يك سلسله ادبیات کلامی در زمینه ردّ آئین مسیح و یهود بوجود آمد.

از مشهورترین مبّغین مسیحی که در عصر صفویه برای اثبات دین خویش و ردّ بر اسلام به فارسی کتاب نوشت ژروم گزایه 4 (متوفی 1617 م) بود. وی کتابی به نام آئینه حق نما نوشت و آن را به این جهت آئینه حق نما نامید که انسان خردمند و کنجاو، بدی و خوبی مذهب خود را می‌تواند در آن مشاهده نماید. گزایه که همراه هیأت تبلیغی به هند رفته بود زمان درازی را در دربار جلال الدین اکبر پادشاه مغولی هندوستان گذراند. وی اکبر شاه را تشویق به ترجمه کتب مهم دین نصاری به زبان فارسی کرد. کتاب گزایه دارای پنج باب است که هر باب فصول متعدد دارد.

شیوه کتاب به اینصورت است که حکیم مسلمان با پادری مسیحی وارد بحث می‌شود و سؤالات خود را مطرح می‌سازد. شخص دیگری هم وجود دارد که ملا خوانده می‌شود، او نیز از پادری سؤال کرده بر آئین مسیح ایراد وارد می‌کند، اما استدلال پادری بارها ملا را به این اظهارات «خوب ثابت کردید»، «بسیار بسیار پسندیده می‌نماید مرا آنچه از شما استماع نمودیم» وادار می‌کند. سرانجام حق‌انیت سخنان پادری را پذیرفته و مسیحی می‌شوند. آنگاه پادری می‌گوید:

«منت مر خدای را که چشم ایقان شما را توتیائی بینائی بخشید و به نور ایمان منور گردانیده بسوی خود کشید. اکنون امیدواری به عنایت باری چنانست که توفیق بخشید شما را تا استقامت در راه این دین که از همه اولی و اصوب است به تمام اطاعت و کوشش بلایغ نمایید زیرا که بی‌شک و شبه از این راه به دستگیری حضرت مسیح صاحب ما و به استمداد و استعانت دعا‌های حضرت بی‌بی مریم مبارک پارسا که والده او و خداوند ماست به فرودس برین خواهید رسید.» (گزایه، نسخه خطی).

نسخه‌ای از کتاب «آئینه حق نما» در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است که مؤلف آن ناشناس ذکر گردیده است. اما در فهرست کتب خطی آن کتابخانه، نویسنده کتاب، پادری زیر و نیمو شایویر ذکر شده است (ولایی، 1) که ظاهراً همان گزایه است (حائری،

5(502)

کتاب آئینه حق نما توسط مؤلف آن تلخیص گردیده و به نام منتخب آئینه حق نما معروف است. 6 سیّد احمد علوی یکی از علمای اصفهان بر این کتاب ردّیه‌ای به نام مصقل صفا در تجلیه آئینه حق نما در ردّ تثلیث نصاری نوشت. علوی از علمای عصر صفویه و ناگرد و داماد میرداماد و نواده محقق کرکی بود. وی تألیفاتی در زمینه‌های گوناگون از جمله فلسفه دارد، حدود چهل کتاب از او ذکر شده است (علوی، 102-99). پروفیسور هانری کرین معتقد است که او به زبان عبری مسلط بوده و توانسته است کتاب عهد عتیق را شرح کند. وی احتمال می‌دهد که علوی ارتباط محرمانه با علمای یهود و احبار ایشان داشته است؛ به این دلیل توانسته به خوبی زبان عبری را بداند (همو، 72).

سیّد احمد علوی دو کتاب دیگر نیز در ردّ بر مذهب یهود و مسیحیت تألیف کرده بود به نامهای صواعق رحمان در ردّ مذهب یهودیان و اللوام الربانیة فی ردّ شبه النصرانیة. کتاب نخست در ردّ مذهب یهودیان و در بیان تغییر تورات و زبور و سایر کتابهای ایشان است. سال نوشتن این کتاب معلوم نیست، ظاهراً باید قبل از تألیف مصقل صفا باشد. فعلاً اطلاع بیشتری در مورد این کتاب نداریم. کتاب دیگر اللوام الربانیة در ردّ یکی از «قسيسان فرنگیان» نگاشته شده است و تاریخ تألیف آن محرم سال 1031 / 1612 می‌باشد. نام قسّیس فرنگی مشخص نشده است (آریان، 159).

کتاب گز اویمه بوسیله مبلغان مسیحی 8 به دست سیّد احمد علوی می‌رسد و او که بنا به نوشته خودش حضرت مهدی صاحب الزّمان علیه السلام را در خواب دیده و مأمور شده بود که کتب نصاری را پاسخ گوید؛ اقدام به تألیف کتبی بر ضد تبلیغات مسیحیان از جمله کتاب گز اویمه می‌کند. زمان تألیف کتاب سال 1032 / 1622 است و در آن سخنان گز اویمه را در کتاب آئینه حق نما، «خز عیلات» و «رّهات» می‌خواند. وی می‌نویسد چون «آن آئینه به کدورت شبه و شکوک غبار آلود» بود «فلامحاله آن را حاجت به مصقلی افتاد که رنگش را حک و تجلیه و عبارش را محو و تصفیه کند». کتاب مصقل صفا دارای یک مقدمه و سه فصل می‌باشد و با خطاب «یا معشر النصاری» کتب مقدّس و باورهای مسیحیان را نقد می‌کند (علوی، نسخه خطی).

کتاب علوی بر ضدّ مسیحیت مورد توجه نصاری واقع شد تا آنجا که مسیحیان کارملی 9 را به فکر پاسخ انداخت. به این جهت کتاب او را به رم فرستادند؛ چندی بعد از آن یکی از مسیحیان فرقه فرانسیسکن به نام فیلیپ گواد گندلی 10 پاسخی بر کتاب وی نوشت که در سال 1041 / 1613 م، در رم منتشر شد. شخص دیگری به نام بوناواتور مال والیا 11 در همان ایام در سال 1628/1038 نیز جوابی بر ضدّ مصقل صفا نگاشت (آریان، 158). یکی از دوستان گز اویمه هم کتابی در ردّ مصقل صفا نوشت به نام «الایشهای مصقل صفا» و ضمن ردّ سخنان علوی گفت که علوی کتاب آئینه حق نما را ندیده است و جوابهای او متکّی بر مذهب آن کتاب بوده است (همو، 159).

باب فیلیپ گواد گندلی به ایران آمد و مجدداً محرّک علماء برای نوشتن کتابهایی در ردّ مسیحیت گردید. بطوریکه سیصد سال پس از او هم علماء از او یاد کرده و مطالبش را ردّ کردند. (مثلاً رک: کاشانی).

بلاغ دیگری که بر ضدّ اسلام کتاب نوشت شزو 12 کشیش فرانسوی بود. وی که نخستین سرپرست بنگاه یسوعیین بشمار می‌رفت، کتابی در اثبات دین مسیح به فارسی نوشت و آنرا به اعتماد الدوله - وزیر اعظم صفویه - تقدیم کرد (شاردن، 91). اعتمادالدوله نیز از علماء خواست تا مجالس مناظره با شزو ترتیب دهند. این مناظرات به مدت چند سال (1070-1063/59-1652) طول کشید (حائری، 485).

گیرائیل افرنجی نیز مسیحی دیگری بود که کتابی در اثبات دین مسیح نوشت. او که مدتها در اصفهان و تبریز بسر برده بود، با زبان ترکی و عربی و فارسی آشنا بود، کتاب خود را به زبان عربی نوشت و از ادله عقلیه و نقلیه برای احقاق عقاید نصارا استفاده کرد. بر ردّ کتاب او، ظهیر الدین تفرشی از علمای عصر شاه سلیمان صفوی که مدّتی نیز در گرجستان پیشنماز بود کتاب نصره الحق را نوشت. تفرشی از روش مناظره و سؤال و جواب برای ابطال آئین مسیح و اثبات دین اسلام استفاده کرد. این کتاب ابتداء ماندن رساله افرنجی به عربی بود و چون شاه از تفرشی خواست که آن را به فارسی ترجمه کند او نیز این کار را انجام داد. بین تفرشی و افرنجی مجلس مناظره‌ای هم در گرجستان صورت گرفت (همو، 7-486).

کتاب دیگری که بر ضدّ اسلام بوسیله تبلیغگران اروپائی نوشته شد مقاله فی الاسلام به زبان عربی است. نویسنده آن جرجس سال انگلیسی (متوفی 1736/1149 م) بود البته اصل کتاب به انگلیسی بوده و شخصی به نام هاشم آن را به عربی ترجمه کرده است. ترجمه کتاب بوسیله جمعیه الهدایة در مصر منتشر گردید. بعدها این کتاب نیز به ایران آمد و نویسندگانی بر ضد مطالب آن کتاب نوشتند. از جمله میرزا صادق فخرالاسلام که بعد از این درباره او صحبت می‌کنیم کتاب بیان الحق را در جواب او نوشت. شیخ محمد جواد بلاغی نیز کتاب الهدی الی دین المصطفی را در اثبات دین اسلام بر ضد باورهای جرجیس نوشت (آریان، 2-161). بلاغی از علمائی است که چندین کتاب بر ضدّ مسیحیت و یهودیت نوشته است. وی به زبان عبری نیز وارد بوده است. کتاب دیگر او الرحلة

مدرسیه او المدرسیه السیارة هم در ردّ این دو مذهب و فعالّیت‌های کشیشان مسیحی است. 13

### تکاپوهای مبلغین اروپایی بعد از انقراض صفویّه و ایجاد جنبش ردنویسی

با حمله افغانها به ایران و انقراض سلطنت صفویّه اوضاع کشور به شدّت آشفتّه شد. بعد از به حکومت رسیدن نادرشاه، سیاست این پادشاه نزدیک کردن ادیان به یکدیگر بود. نادر دستور داد که چهار کتاب مقدّس، یعنی تورات و زبور و اناجیل و قرآن به فارسی ترجمه شوند و افرادی را تعیین کرد که این کتابها را برای او بخوانند (لوی، 470). انجمن مسیح که از سالها قبل در دوران صفویّه در ایران فعالیت می‌کرد؛ جامعه یهود تهران هم در این زمان (1745/1158 م) تأسیس گردید. 14 مبلغین اروپایی علیرغم اوضاع نابسامان ایران دست از فعالیت برداشتند. دکتر شعبانی می‌نویسد که روابط ایران و فرانسه از نظر سیاسی در عصر افشاریّه نتیجه‌ای داشت امّا روابط مذهبی شامل این مقوله نمی‌شود. چه در این بخش کماکان فرانسه به عنوان «دختر بزرگ کلیسا» نقش «متفوق و مرجحی در ایران داشت.» (شعبانی، 482) کشیشان پرتلاش ژزوئیّت همچنان فعالیت می‌کردند. پربازن 15 کشیش فرانسوی نقش مؤثّری در دربار و بین طبقات عامی مسیحی ایران داشت. او که در سالهای (60-1154 تا 1747-1741) در ایران می‌زیست برای تبلیغ آئین مسیحیت به ایران آمده بود، امّا نزد نادرشاه به دروغ خود را پزشک معرفی کرد و نفوذش تا آنجا بالا گرفت که عنوان «طیب اول» یافت (حائری، 163).

در عصر زندیه فرمانهائی از فرمانروایان این سلسله کریم خان و علی مرادخان وجود دارد که آزادیهای مسیحیان و مبلغین آنها را تأمین می‌کند. «عمده المسیحیه پادری فردسیه حکیم» نزد کریم خان و «عمده المسیحیه پادری اورانوس حکیم» به حضور علی مرادخان رسید. خواست این پادریان، آزادی «پادریان فرنگیان و خلیفها در ممالک محروسه» بود و اینکه: «در هر کجا که خواسته باشند توقف و سکنی کرده، هر يك از ارامنه و عیسویان و اولاد ایشان که خواسته باشد نزد ایشان آمد و شد کرده، تعلیم گیرند.» (قائم مقامی، 6-105).

در دوره نخستین حکومت قاجاریّه رفت و آمد مبلغین مسیحی افزایش چشمگیری یافت. تکاپوی علماء نیز برای ردّ کردن و انتقاد آئین مسیح و یهود بیشتر شد؛ تا آنجا که بسیاری از اندیشمندان اهل قلم این عصر تألیفی در این زمینه دارند. حامد الگار روزگار ولیعهدی عباس میرزا رازمان بحبوحه فعالیت مذهبی و تدوین رساله‌های جدلی علیه صوفیگری، اخباریگری و مسحیت می‌داند. در این زمان علماء از مناظره لذّت می‌بردند. ولف 16 از ملاقات با يك مجتهد شیرازی سخن می‌گوید که مکالمه با خارجی‌ها را دوست داشت و می‌گفت به فهم حلوت می‌بخشد (الگار، 169).

هنری مارتین 17 از کشیشان معروف بود که در آغاز دوران قاجار به ایران آمد. وی با سرجان ملک سفیر انگلستان در ایران ارتباط داشت و بعد از ورود به ایران تحت حمایت سرگور اوزلی 18 سفیر دیگر انگلستان قرار گرفت. اوزلی فراماسونر معروف نقش مهمی در اجرای سیاست استعماری انگلیس در ایران داشت و در معاهده گلستان به ضرر ایران کوشید. او طرفدار سیاست واگذشتن ایران در ناتوانی و وحشیگری بود. حمایت اوزلی بعنوان کارگزار قدرتمند کشور انگلستان از مارتین نشان می‌دهد که تا چه اندازه فعالیت‌های مارتین به نفع سیاست استعماری انگلستان بوده است.

«درست در هنگامی که ایران برای نخستین بار گام در گرداب سیاست جهانی گذاشته بود و با فقدان آزمون‌دگی و آگاهی‌های بسنده پیرامون دیپلماسی اروپا با دولتهای استعمارگر و فزونخواهی مانند انگلیس و روس و فرانسه دست به گریبان بود... هنری مارتین برای اجرای برنامه‌هایی در راستای سوداگری استعمار انگلیس و با بر خورداری فراوان از دستیار و راهنمایی کارگردانان آن سیاست، گام به خاک ایران نهاد. دستیابی به این خواست از سوی هنری مارتین نمی‌توانست جز از این راه‌ها چهره بندگان تبلیغ کیش مسیح، سست ساختن بنیاد باورهای مذهبی ایرانیان، متوجّه ساختن اندیشه‌های همگانی بویژه دستگاه‌های رهبری سیاسی و مذهبی ایران به مسائل فکری و عقیدتی و معنوی که در کشور انگلیس ریشه داشت و از آنجا سرچشمه می‌گرفت، و به يك سخن بازداشتن جامعه ایران از گزینش راهی درست برای آشنائی ژرف و بنیادی بر ژرفای دو رویه تمدن بورژوازی غرب و رویارویی همه سوبه با آن. اسناد و مدارک تاریخی نیک گزارشگر، آن است که هنری مارتین در درازای درنگ 16 ماهه‌اش (از مه 1811 تا سپتامبر 1812) در ایران این وظائف استعماری را در چارچوب توانائی خویش به بهترین شیوه انجام داده است.» (حائری، 516).

مارتین جلسات بحث در شیراز تشکیل داد، سپس از یکی از مجتهدین شیراز خواست که پیرامون دلایل پیامبری پیامبر اسلام کتابی بنویسد و چون مجتهد مزبور چنین کرد، مارتین دو کتاب در پاسخ او نوشت. ظاهراً یکی از آنها همان «میزان الحق» است که اشتهار زیادی کسب کرد. (همانجا). پس از آن سلیلی از ردّیه نویسی بر ضد مارتین جاری گردید که تا سالها بعد از مرگ او ادامه داشت. علمای مذهبی، متصوفه و سیاستمداران بر ضدّ مارتین کتاب نوشتند. مشهور است که مجتهد معروف آن زمان میرزای قمی (م 1231/1816) بعد از انتشار آراء مارتین رساله‌ای ناتمام بر ضدّ عقاید او نوشت و سخنانش را در مورد اسلام و مسحیت رد کرد (همو، 525).

لا احمد نراقی عالم معروف نیز کتابی به نام سیف الامّه بر ضدّ باورهای مارتین نگاشت. برای نوشتن این کتاب، وی ده تن از

خاخماهای کاشان را دعوت کرد و به یاری آنان تعدادی از عبارات عهد عتیق و آثار مربوط به مذهب یهود را به فارسی برگرداند (الگار، 168).

ملا علی نوری اصفهانی (م 1830/1246) ز علمای امامیه که با میرزای قمی روابط دوستانه داشته است و سید محمد باقر شفتی که از علمای بسیار مشهور آن عصر است به وی اقتدا می‌کرد، کتابی بر ضد مارتین نوشت. فتحعلیشاه و میرزا آقا بزرگ در تشویق او برای نگاشتن این کتاب نقش داشتند (مدرس، 246/6). نوری معتقد بود کسانی که با مارتین بحث کرده‌اند، بیشتر از بی‌خبرانی بودند که خود را در زمره علمای اسلام دانسته‌اند (حائری، 536). کتاب وی به نام حجّة الاسلام فی ردّ میزان الحقّ مشهور است.

از صوفیان بزرگ، آقا محمد رضا همدانی متخلص به کوثر علیشاه هم دو کتاب بر ضدّ باورهای مارتین نوشت به نامهای ارشاد صلّین، فی اثبات نبوة خاتم الدّین و مفتاح النبوه کتاب دوّم تکمیل کننده کتاب اول است. لی 19 استاد عربی دانشگاه کمبریج دوازده سال بعد از مرگ مارتین چند تا از ردود بین مسلمین و مسیحیان را در کتابی به انگلیسی ترجمه کرد و به نام رسالات مربوط به مناظرات بین مسیحیت و آئین محمدی چاپ کرد. از جمله کتاب ارشاد المصلّین همدانی را در این مجموعه قرار داد. لی کتابش 20 را کوششی را راه آشکار کردن و دروغ انگاشتن دیدگاههای مذهبی مسلمانان ایران دانست (آریان، 161).

از سیاستمداران، میرزا بزرگ قائم مقام (متوفی 1824/1239) کتاب اثبات الذبوه را بر ضدّ مارتین و نظریات یهود و نصاری و ات پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلام نوشت. این کتاب به دستور فتحعلیشاه نوشته شد (حائری، 533). کتبی که بر ضدّ مارتین تألیف شدند بسیارند که در اینجا به نام تعداد دیگری از آنها اشاره می‌کنیم.

«ردّ پادری» کتابی است که سید محمد حسین بن میر عبدالباقی خاتون آبادی (متوفی 1818/1233) بر ضدّ مارتین نوشته است. مؤلف الذریعه نام شش کتاب دیگر، از نویسندگان مختلف را ذکر می‌کند که به همین نام هستند (آغا بزرگ تهرانی، 214-5/10).

نبات الذوة الخاصة دیدگاههای یهودیان و مسیحیان را درباره اسلام و پیامبر آن نادرست می‌خواند. ویسنده این کتاب ظاهراً حاج محمد جعفر همدانی ملّقب به مجذوبعلی شاه کبوتر آهنگی (متوفی 1823/1239) است.

صرة الدّین از حاج محمد کریم خان (متوفی 1871/1288) کتابی است بر ضدّ عقاید مسیحیان از جمله مارتین و یک پادری دیگر که در سال 1252 قمری نوشته شده است (کرمانی، 4).

هدایة الجاحدین و هدایة المسترشدين دو کتاب از ملا تقی کاشانی هستند که بر ضدّ تبلیغات پادریان و سؤالاتی که آنان در ذهن مردم القاء کرده‌اند، می‌باشد. کاشانی از فقهای شیعه بود که به زبان عبری و یونانی آشنائی داشت. کتاب هدایة الجاحدین را در سال 1305/1887 تألیف کرد و در آن به هفت سؤال پاسخ داد که برخی از سؤالات در کتاب پادری فرنگی میزان الحقّ مطرح شده بود (فاضل کاشانی، هدایة الجاحدین، چاپ سنگی). کتاب هدایة المسترشدين هم در جواب مارتین و پادری فیلیپ است که سیصد سال قبل رساله‌ای بر ردّ قرآن و دین نگاشته بود (همو، هدایة المسترشدين، 4).

کی دیگر از مبلّغین اروپائی که در نوشته‌های اسلامی به نام فاندنر یا فندر 21 یاد شده است، کتابی به نام میزا الحقّ یعنی همنام کتاب هنری مارتین دارد. 22 این کتاب و کتاب دیگر فاندنر به نام طریق الحیة و مفتاح الاسرار، که در اثبات دین مسیح بود، مورد نقد علمای مسلمان قرار گرفتند. چون ای دو کتاب ابتدا در کلکته چاپ شدند، نخست علمای ساکن هند به پاسخگویی پرداختند. سید علی حسن از اندیشمندان ساکن هند کتابی به نام استفسار بر ردّ فندر نوشت که در سال 1844/1261 چاپ شد.

فعالیت‌های فاندنر در هندوستان سبب گردید که شیخ رحمت الله هندی از او دعوت به مناظره کند. مجلس مناظره در شهر اکبرآباد در سال 1270 / 1853 م. برقرار گردید. کتاب اظهار الحقّ حاصل این مناظرات است که به زبان اردو تنظیم شده بود و بوسیله شیخ رفاعی الخولی به عربی ترجمه گردید. اساس بحث درباره‌ی تحریف و نسخ است (اظهار الحق، چاپ 1412 ق).

در ایران هم افرادی به کتاب فاندنر پاسخ گفتند از جمله میرزا یوسف قرداغی تبریزی است که کتابی به نام لسان الحقّ فی اثبات مظالم المسیحین به زبان فارسی نوشت و در سال 1336 قمری در ایران چاپ شد. طالب آن در نقد و ردّ سخنان فندر و کتاب میزان الحقّ او و نورتین 23 یکی دیگر از پادریان فرنگ است.

فعالیت مبلّغان اروپائی در دوران پنجاه سال سلطنت ناصرالدین شاه همچنین در عصر مظفرالدین شاه ادامه داشت. کتابهایی هم بر ضدّ اسلام پراکنندند. که این بحث مجال پرداختن به آنها را ندارد. ولی نکته‌ای که لازم است تذکر داده شود این است که: آنچه ذکر شد مربوط به فعالیت مبلّغان مسیحی بود و نامی از یهودیان برده نشد. مشخص است که دین یهود جزء ادیان غیر تبلیغی 24 است که بیشتر

جهت حفظ و نگهداری خود کوشش می‌کند و تأکید دارد که نژادها و ادیان دیگر آمیخته با یهودیان نگردند. 25 به این علت نامی از بلعین یهودی برده نشد، البته مأمورین روحانی یهود در دوران صفویّه و قاجاریّه به ایران آمدند و با یهودیان تماس گرفتند. چنانچه ربی مشه اهل صفات در سال 1593/1002 ابتدای حکومت شاه عباس اول به ایران آمد و با یهودیان ایران قرار گذاشت که هر مرد یهودی از بیست سال به بالا سالی نیم مثقال نقره برای امور مذهبی به نام (حص شقل) بپردازد. این موضوع تا اواخر عصر احمد شاه باقی بود (لوی، 515/3).

در سالهای بعد هم افراد دیگری آمدند از جمله در سال 1779/1193 م مأمورین روحانی یهودی که به ایران آمدند در مورد نماز به یهودیان تعلیماتی دادند (همو، 485/3). یکسال قبل از سلطنت آقا محمد خان قاجار هم یکی از مأمورین روحانی ارض مقدّس وارد ایران شد و اصلاحاتی در ارتباط با دین یهودیان انجام داد که اثرات آن تا امروز باقی مانده است (همو، 511/3، 514-7).

گرچه خود یهودیان به تبلیغ دین خویش نپرداختند اما با توجه به اینکه مسیحیان تورات را قبول دارند، تبلیغگران مسیحی در بحثهای خود به تورات هم استناد می‌کردند.

غیر از علمای مسلمان که در صدد پاسخگویی به تبلیغات پادریان اروپایی برآمدند و آثاری در زمینه رندویسی آفریدند، نو مسلمانان که ابتدا مسیحی یا یهودی بودند هم به خلق کتبی در این زمینه پرداختند.

### تغییر کیش و نوع تفکر جدید الاسلامها

برغم فعالیت گسترده مبلغان اروپایی و مسیحی که ذکر شد، تغییر کیش دسته جمعی و خانوادگی از سوی مسلمانان به مسیحیت دیده نشده است. فقط افراد انگشت شماری مسیحی شدند. آن هم کسانی بودند که به اروپا رفته تحت تأثیر فرهنگ آنجا قرار گرفتند. عکس نضیه یعنی مسلمان شدن مسیحیان و یهودیان در تاریخ ایران مکرر اتفاق افتاده است. در عصر صفویّه و بعد از آن نیز همچنان تغییر کیش و جود داشت. این افراد ملّ قب به جدید الاسلام می‌گردیدند. در مورد اینکه چه عواملی سبب تغییر کیش این افراد گردیده دیدگاههای متفاوتی وجود دارد. رخی عامل فشار را علت اصلی اسلام آوردن این اقلیتها بویژه یهودیان در عصر صفویّه و قاجاریّه دانسته‌اند. مسیحیان اگرچه در اواخر عصر صفویّه گاه فشارهایی را متحمل می‌شدند، ولی در مجموع، منابع از آزادی نسبی ارمنه در ایران سخن گفته‌اند. این آزادی در زمان قاجاریّه نیز وجود داشت. پیتر دولواله، رافائل دومان و شاردن جهانگردان و مأموران اهل اروپا هستند که از ایران در عصر صفویّه دیدن کرده‌اند و وضع مسیحیان را خوب توصیف کرده‌اند (رادین، 34-30) 26. مادام دیولافوا که در عصر قاجاریّه در ایران بوده است نیز از آزادی نسبی مسیحیان سخن گفته است (آریان، 95).

یهودیان در ایران کمتر مورد توجه بودند. شاید خصومت اروپائیان با یهودیان و حمایت دولت عثمانی از یهودیان در این مورد نقش داشته است (ملکم، 149/2). ولی آنچه برخی از نویسندگان چون حبیب لوی در مورد بدی وضع یهودیان در ایران نوشته‌اند بدون شک خالی از اغراق نیست. لوی از مسلمان شدن اجباری مردم شهرهای مختلف بویژه در زمان شاه عباس دوم یاد می‌کند (322/3-313). وی به اشعار بابایی لطف که از یهودیان عصر شاه عباس ثانی بود و کتابش را در سال 1655 م / 1066 نوشته است، استناد می‌کند. ر صورتیکه اشعار بابایی لطف با توجه به اسناد تاریخی چندان در ست نمی‌باشد. منابع روابط شاه عباس اول را با اقلیت‌های مذهبی خوب ذکر کرده‌اند. در مورد شاه عباس ثانی بیشتر منابع از عدم تعصب او صحبت کرده‌اند. سرجان ملکم نوشته است که نسبت به هیچ یک از مذاهب تعصب نداشت. کروسینسکی نیز عدم تعصب شاه عباس دوم را در مسائل مذهبی ستوده است. لکه‌هارت هم در باره آنچه در تاریخ یهود اثر منظوم لطفی و فرهاد از تعقیب و آزار کلیمی‌ها و اسلام آوردن اجباری آنها آمده، می‌نویسد: «چون این نویسندگان کلیمی مطالب را به زبان شعر گفته‌اند، لذا در بیان تعقیب و آزار یهودیان در زمان شاه عباس دوم مبالغه کرده‌اند.» (ص 32-33).

آنچه مسلم است تغییر مذهبی که از روی فشار باشد حقیقی نیست و این افراد تمایلی به نوشتن کتاب بر ضدّ دین خود و حقانیت دین جدید ندارند و هر زمان که آزادی پیدا کنند دوباره به دین اجدادی خود برخواهند گشت.

یادآوری این نکته لازم است که علل مذهبی تنها محرک تعقیب کلیمها نبود. همانطور که شاردن جهانگرد فرانسوی نوشته است، این عده گاهی مذهب به جادوگری می‌شدند (لوی، 420/3).

برخی عامل اقتصادی را سبب تغییر کیش ذکر کرده‌اند. این عامل را در تغییر کیش دادن افراد نمی‌توان دست کم شمرد. وضعیت اقتصادی مسیحیان در زمان صفویّه و قاجاریّه نسبتاً مساعد بود (قس: پیکولوسکایا، 522). ولی یهودیان اکثراً در فقر بسر می‌بردند و به شغل‌های پست اشتغال داشتند (لوی، 420/3؛ اورسل، 107؛ ملکم، 185/2). برخی از پادشاهان صفویّه چون شاه عباس اول و دوم به افراد پول می‌دادند که مسلمان شوند. شاردن در سفرنامه خود می‌نویسد که شاه عباس به هر مرد یهودی 400 فرانک و به هر زن 300 فرانک می‌داد تا مسلمان شود و بدین ترتیب جمع بسیاری را مسلمان کرد (به نقل از لوی، 420/3). شاه عباس دوم نیز همین کار

را در اثر مشورت با نخست وزیر خود محمد بیگ انجام داد. شاردن خود اظهار می‌دارد که این مسلمانی حقیقی نبود. موقعی که از این یهودیان که با پول مسلمان شده بودند، سؤال می‌شد که مسلمان هستی، اظهار می‌داشتند که من یهودی هستم. به من دو تومان دادند که افراری غیر از حقیقت بنمایم (همانجا). عامل اقتصادی دیگری که به مسلمان شدن مسیحیان و یهودیان کمک می‌کرد، قانونی بود که در زمان شاه عباس اول مطرح گردید و آن اینکه با مسلمان شدن یکی از معتقدین به این ادیان، ارث اقوام او به شخص جدید الاسلام می‌رسید. این قانون تا دوران حکومت ناصرالدین شاه مجری بود (لوی، همانجا؛ لکهارت، 83) و افرادی را که طمع به اموال خاندان خود داشتند تشویق به مسلمان شدن می‌کرد. کسانی که به این دلیل مسلمان می‌دند معمولاً اطلاعات وسیعی نسبت به دین اولیه خود و نیز مطالعه‌ای در مورد دین اسلام نداشتند.

ناقضات و مطالب غیر عقلانی مذکور در کتب مقدّس هم عامل مهمّی برای تغییر کیش بود. در اینجا مناسب است که چند تن از افراد جدید الاسلام که تألیفاتی بر ضدّ مذهب قدیم خود داشته‌اند و عاملی که آنها سبب تغییر کیش خود می‌دانند مورد توجه قرار گیرد. اینان معتقدند که در واقع تناقضات کتب مقدّس و اعتقادات پیروان دین اجدادیشان و مطالعه‌ای که در باره اسلام داشته‌اند سبب تغییر کیش آنها گردیده است.

علیقلی جدید الاسلام از علمای بزرگ مسیحی در عصر شاه سلطان حسین صفوی بود. وی در مورد زندگیش چنین می‌نویسد که ابتدا نصرانی بوده است و بعد مطالعه و تتبع در کتب نصاری نموده و «بعد از بطلان دلایل ایشان که بر حقیقت مذهب خود دارند به بینه و برهان عقلی اختیار دین حق» کرده است. علیقلی جدید الاسلام ابتدا مورد اعتماد نصاری و «سرامد پادریان» آنها بود. بطوریکه گمان می‌کردند که «روح القدس در قلب» او (علیقلی، دستنوشته 12116) طلوع کرده است. پس از مسلمانی، کتابی به زبان فرنگی در جواب اعتراضات آنها نوشت. بعد این کتاب را خود به فارسی ترجمه کرد و هدایه الضالین و تقویة المؤمنین نامید به این امید که:

«انشاء الله تعالی بعد از اتمام همچنانکه آن نسخه اوّلی به کار نصاری اگر عقل داشته باشند می‌آید، این نسخه فارسی نیز در میان شیعیان به یادگار مانده بعد از مطالعه بر حقیقت مذهب خود واقف و باعث مزید رسوخ ایشان گردد و از طریق باطله نصاری اجذنا ب و احتراز لازم دانند.» (همانجا).

کتاب وی چهار جلد است که هر یک دارای فصول متعدّدی است:

وّل، ردّ اصول دین نصاری و ثبوت اصول دین مبین محمد صلی الله علیه و آله و سلّم از کتب ایشان.

دوم، در ردّ فروع دین نصاری و ثبوت فروع دین محمدی صلی الله علیه و آله و سلّم از کتب ایشان.

ثالث، در اثبات نبوت و خاتمیت و علامات ظهور رسول از کتب ایشان.

چهارم، در اثبات امامت حضرات ائمه معصومین علیهم السلام و ظهور علامات زمان قائم آل محمد موافق کتب ایشان.

علیقلی کتاب دیگری به نام سیف المؤمنین دارد. وی این کتاب را در پاسخ تبلیغات میسونرهای اروپائی که در ایران بودند نوشت. در این کتاب سعی او این است که تحریفات کارگزاران کلیسا را افشاء کند. وی به این دلیل که به زبان فرنگیان آشنا بود متوجه و از گون سازیهایی که یکی از پادریان نصارا در ترجمه کتب مقدّس از لاتین به عربی مرتکب شده می‌گردد و پرده از آن برمی‌دارد. سرّ این تحریفات را علیقلی در دو مسأله عنوان می‌کند. یکی اینکه «مردم از روی آن ترجمه عربی بر مضامین فقرات تورات آگاه گردیده، ایشان را در رسوخ به طریقه باطل ملامت نکرده»، و دیگر اینکه وقتی علمای مسلمان خواستند بر اساس استدلال به کتب نصاری، دین آنها را رد کنند و حق بودن دین اسلام را ثابت کنند، چون زبان لاتین نمی‌دانند بر اساس آن ترجمه عربی اقامه حجّت می‌کنند «بنابر آنکه ترجمه عربی موافق خواهش نصارا به قالب زده شده بود بعد از آن که نصارا بر اجوبه و دلایل علمای اسلام مطّلع گردیدند از روی استخفاف ردّ اقوال علماء کرده، اظهار بی‌دانشی ایشان می‌نمودند.» (علیقلی، دستنوشته 6731).

از جمله تحریفات پادری نصاری این بود که دیباچه جرانیم را به عربی ترجمه نکرد. زیرا هر کس آن را می‌خواند «از آن دیباچه علم به بازبچه بودن کتب و طریقه نصاری بهم می‌رساند» و اعتمادش را نسبت به کتب آنها از دست می‌داد. به این جهت علیقلی تورات عربی را با لاتینی مقابله و دیباچه جرانیم را نیز به فارسی ترجمه کرد. پس از آن هر عبارتی را که به نظرش دلیل بر حقانیت دین اسلام و ردّ دین نصارا بود تفسیر و تأویل نمود. به این ترتیب کتاب قطور سیف المؤمنین بوجود آمد. در آخر هم یادآور گردید که با «ترجمه این دوازده فصل رشته غدر نصاری و یهود را بالکلّاً به منقطع و اعضایی مذهب باطل ایشان را به این سیف قاطع از یکدیگر منفصل گردانیدیم.» (همو، صفحه آخر).

شخص دیگری از علمای نصاری که مسلمان شد و به نام جدید الاسلام معروف گردید، حسینقلی داغستانی است. وی که از ارمنه

شیروان بود پس از فراگرفتن روسی و ارمنی به مطالعه کتب تاریخی و مذهبی پرداخت. آنگاه که به بطلان فرق مسیحیت پی برد با علماء اسلام «تکلام» کرده شبها «با لباس مبدل به خدمت ایشان رسیده» با آنان گفتگو می‌کرد. بعد از مسلمان شدن به فراگیری دروس عربی و فارسی پرداخت و سپس به کشورهای روس و عثمانی مسافرت کرد و در بغداد در جوار «امام جوادین» ساکن شد. در آنجا کارخانه «جوهر نطف کشی» احداث کرد و در ضمن آن به تألیف کتب پرداخت. کتاب کشف ظلم الملل نتیجه تجربیات اوست. در مورد فرق اسلامی هم تحقیق کرده و کتاب اخبار النجاری را نوشت. کتابهایی نیز راجع به وضعیت مسلمین و برای اصلاح آنها تألیف کرد به از جمله تذکرة الذّاکرین و تذکرة المدبّرین است.

کتاب کشف الظلم عن معتقدات البابیة و بیان معتقدات المسیحیین وی در سال 1324 هجری چاپ شده است. بیش از نیمی از این کتاب ر ردّ تفکرات مسیحیان است. آثار حسینی نشان می‌دهد که او فرد پرکاری بوده است و نسبت به مسائل اعتقادی و اجتماعی واکنش نشان می‌داده است. زمانی که وی ضعف ملّت ایران را در مقابل اروپا می‌بیند، کتاب تذکرة المدبّرین را می‌نویسد تا به حکومت و مردم نصیحت کند و شیوه صحیح زمامداری را نشان دهد. یکی از سفار شهای او در مورد رعایای اجنبی و اقوام یهودی و نصاری چنین است که «باید برایشان (رعایای اجنبی) ظلم و تعدی نشود و حکام باید با ایشان مدارا و با عدالت و انصاف و بصیرت حکم کنند. اقوام یهودی و نصارا و غیر ذلك باید در امن و امان باشند نه سر بلند کنند که به اسلام زیادتی کنند و نه اسلام آنها را در زیر پا پامال کند، بلکه حکومت چنان باید حکم و عدالت کند و چنین اظهار کند که این حکم خدا و رسول است تا که هر زمان مدح پادشاه کنند و از حکام محمد راضی شوند.» (حسینی، دستنوشته 1424).

از جدید اسلامهای پرآوازه عصر ناصری محمد صادق فخرالاسلام است. وی نیز ابتدا مسیحی بوده و به درجه کشیشی رسیده بود. سپس به تحقیق و تقدّص پرداخته مسلمان گردید. بعد از آن به تحصیل علوم اسلامی پرداخت. شانزده سال در نجف تحصیل علم کرد و اجازه اجتهاد گرفت. اهل منبر هم بود و در تأسیس مدرسه و روزنامه نیز دست داشته است. آثار زیادی دارد از جمله تعجیز المسیحیین و خلاصة الکلام فی افتخار الاسلام که به اشاره مرحوم آیه الله العظمی بروجردي چاپ شده است (فخرالاسلام، 1/ «و»). کتاب معروف او انیس الاعلام فی نصره الاسلام درباره تحریف عهدین و ابطال اعتقادات کلیسا می‌باشد. این کتاب در شش جلد با پاورقی‌های عبدالرحیم خلخالی چاپ گردیده است. ناصرالدین شاه علّت اسلام آوردن او را پرسید. وی ادله کافی در این مورد ارائه کرد آنگاه شاه او را ملقب به فخر الاسلام ساخت (همو، «د»).

در بین یهودیان نیز افرادی زیادی مسلمان شدند. دو اثر معروف از علمای جدید اسلام یهود وجود دارد که به انتقاد دین یهود و ردّ آن و اثبات دین اسلام می‌پردازد. یکی از اینها توسط اسماعیل حاجی بابا و دیگری توسط محمد رضای جدید اسلام نوشته شده است.

محمد اسماعیل جدید الاسلام از علمای معروف یهود در یزد بود. وی پس از تحقیق درباره اسلام، مسلمان شد. پس از آن روابط خود را با یهودی‌ها قطع نکرد. بلکه جلسات بحث و مناظره با آنان تشکیل می‌داد. فرزندش اسماعیل حاجی بابا قزوینی که در دوران جوانی در این بحثها شرکت داشته بعدها به فکر نوشتن کتابی در ردّ عقاید یهود افتاد (ص 10) و کتاب محضر الشهود فی ردّ الیهود را با توجه به بحثهای پدر نوشت. وی چون زبان عبری می‌دانسته از منابع عبری استفاده کرده است. از کتاب محضر الشهود نسخه‌های خطی متعددی وجود دارد. قای سید احمد حسینی نسخه خطی کتابخانه وزیر یزد را بدون اینکه توضیحات و حواشی بر آن اضافه کند به چاپ رسانده است. نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه آستان قدس رضوی وجود دارد که تاریخ کتابت آن از نسخه یزد جدیدتر است و در پایان مطالبی اضافه‌تر از نسخه یزد دارد (حاج بابای قزوینی، مخطوط 904).

صاحب الذریعه تاریخ تألیف کتاب را 1211 قمری نوشته است (آغابزرگ، 152/20) که ظاهراً باید تاریخ کتابت آن باشد. کتاب دارای هفت باب است که هر باب شامل فصول متعددی است. اساس بحث بر کتب مورد قبول یهود گذاشته شده است و پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلّم را هم بر اساس آن کتابها اثبات می‌کند.

از نویسنده محضر الشهود در کتابهای کلامی و اعتقادی یاد شده است (کاشانی، 116). در کتابهای تاریخی تا آنجا که مورد مطالعه قرار گرفت ذکری از او نشده است. کتاب تاریخ یهود ایران که مطالب مربوط به یهود حتی مطالب جزئی و افسانه‌ای تاریخ یهود را هم ذکر کرده است نامی از این نویسنده نمی‌برد. به این جهت برای آشنایی با شخصیت او نیاز به بررسی بیشتر و عمیق‌تری داریم.

محمد رضای جدید الاسلام معروف به ملا آقا بابا یکی دیگر از علمای یهود است که در سال 1237 / ق 1822 م مسلمان گردید. وی ابتدا از ملایان بزرگ یهود بود و در هنگام تشرّف او به اسلام جمعی از علماء و رجال سیاسی چون ملا احمد نراقی و میرزا بزرگ قائم مقام حضور داشتند (ملا آقا بابا، 10). سلام آوردن ملا آقا بابا موجب ناراحتی یهودیان گردید و با ارسال افرادی علّت را جویا شدند او نیز به نوشتن کتاب اقامة الشهود فی ردّ الیهود پرداخت. کتاب ابتدا به زبان عبری بود و بعد از مرگ مؤلف در سال 1292 / ق 1875 م بوسیله علی بن الحسین الحسینی و با کمک برادرزاده مؤلف که به زبان عبری آشنا بود، به زبان فارسی ترجمه و چاپ سنگی گردید. محمد رضا در ابتدای کتابش می‌نویسد:



«کمترین حقیر فقیر از سلسله علمای بنی اسرائیل بودم و در میان ایشان از افاضل و اعیان بودم و همگی علمای بیت المقدس و ارباب فهم آن طایفه به فضل و تدبیر من معترف بودند و در تمام عمر مشغول به تحصیل علوم و مطالعه کتب سماوی و در مقام و متابعت رسوم انبیاء سلف و علمای خلف بودم و در آن تجسس و طلب به غیر از تمیز میانه حق و باطل ادیان و وصول به طریق حق و ایقان مطلبی و مقصودی نداشتم و پیوسته ظهور راه صواب را از مفتوح الابواب سائل... بودم.» (همو، 8).

ساحب الذریعه او را از اکابر علمای یهود خوانده است و علاوه بر کتاب اقامه الشهود کتابهای محضر الشهود مفتاح النبوة (آغابزرگ، 263/2) را به او نسبت داده است. پیش از این ذکر شد که کتاب محضر الشهود متعلق به حاجی بابا اسماعیل قزوینی زدی است و نویسنده مفتاح النبوة هم محمد رضا کوثر علیشاه می باشد. ظاهراً شباهتهای اسمی سبب اشتباه صاحب الذریعه گردیده است و این اشتباه در ریحانة الادب (مدرس، 2/1) و فرهنگ دهخدا (دهخدا، 272). هم راه یافته است.

در کتاب تاریخ یهود ایران نام او ملا آقا بابا فرزند رحیم ذکر شده، وی در اصل از یهودیان شیراز بوده که به تهران آمده اند. ملا آقا بابا یکی از دو خاخام جامعه یهود تهران بوده و به سبب رقابت اسلام آورده است. کتاب تاریخ یهود ایران که بشدت به جانبداری از یهود نوشته شده است اسلام آوردن او را ضربه بزرگی به پیکر نحیف یهود در آن روزگار ذکر می کند. اطلاعات علمی و دانایی محمد رست، هم از جانب نویسندگان یهودی و هم از جانب نویسندگان مسلمان تأیید شده است. شلمو کهن صدق او را از رهبر دیگر یهودیان که در آن عصر زندگی می کرده، داناتر دانسته است (لوی، 570/3). سال رحلت محمد رضا جدید الاسلام مشخص نیست، اما بنا به گفته شلمو کهن صدق در قبرستان مسلمانان بر سر قبر آقا دفن گردیده و بر روی سنگ قبر او نوشته شده است:

از منزل عدم بوجود آشنا شدم  
در مصحف کلیم و در احکام انبیاء  
رفتم از این جهان یه بر دوست شادمان

در امت کلیم خدا پیشوا شدم  
دیدم محمد است محمدرضا شدم  
از بهر آنکه طالب دین خدا شدم

(ملا آقابابا، 413؛ لوی، همانجا).

کتاب اقامه الشهود دارای چهار باب است که بوسیله مترجم آن تفسیر و توضیح داده شده است. به این جهت تشخیص این موضوع کدام مطلب از نویسنده است و کدام از مترجم مشکل می باشد. متن عبری کتاب فعلاً در دسترس نیست. مترجم کتاب نوشته است که یهودیان زمانی که متوجه مسلمان شدن ملا آقا بابا شدند سعی در اذیت و بدنام کردن او کردند و بعد در صدد از بین بردن نسخه اصلی کتب برآمدند ولی تا زمان مترجم موفق نشدند؛ حتی آنان سعی کردند که از ترجمه و چاپ کتاب هم جلوگیری کنند (ملا آقا بابا، 289).

مطالب کتاب اقامه الشهود که بوسیله مترجم منقول رضائی نامیده شده است در قسمتهائی شباهت به کتاب محضر الشهود دارد. احتمال می رود که این قسمتها توسط مترجم کتاب به آن اضافه شده باشد. بهر حال تا زمانی که متن عبری کتاب به دست نیامده است، این موضوع بصورت يك احتمال باقی می ماند.

1- ارنست اورسل که در عصر قاجاریه از ایران دیدن کرد جمعیت زردشتیان ایران را کمتر از 8500 نفر ذکر می کند در حالیکه مسیحیان ارمنی 45000 نفر و مسیحیان نسطوری 23000 نفر و یهودیان 19000 نفر بودند. البته تعداد یهودیان در زمان صفویه بیش از این بود و از بعد فتحعلیشاه تعداد آنها به این مقدار تقلیل یافت (رک اورسل، ارنست، سفرنامه اورسل، 224).

Joubert -2

Lovies des Hags -3

Jerome xavier -4

5- دکتر حائری در قسمت یادداشتها ضمن توضیح در مورد اصل کلمه گزایوه ذکر می‌کند که در کتاب آئینه حقّ نما خود نویسنده نام خویش را شایر خوانده است. ولی تلفظ گزایوه هر چند بی‌دلیل به شیوه‌ای همه‌گیر و فراگیر در نوشته‌های فارسی به کار رفته است (همانجا).

6- فهرست کتابخانه موزه بریتانیا. شیرو نیمر سوایر را خلاصه‌کننده کتاب «آئینه حقّ نما» معرفی کرده است. قبلاً ذکر کردیم که این شخص ظاهراً همان گزایوه است (ر. ک: Rieu, 1/4).

7- هانری کرین سال رحلت سید احمد علوی را که صاحب الذریعه بین سالهای 1054 تا 1060 هـ/ 1650 تا 1644 آورده، به اشتباه سال تألیف «مصقل صفا» ذکر کرده است (ر. ک: علوی، 21).

8- نام دو مبلغ مسیحی را پادری جوان (Padre Juan) و پادری بریو (Padre Brio) ذکر کرده است. ر. ک مصقل صفا، تصحیح ناجی، ص 16؛ در نسخه خطی «مصقل صفا» که به ش 256 در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی موجود است، مطلب به گونه‌ای نوشته شده است که نمی‌توان تشخیص داد که اینان دو پادری بوده‌اند زیرا لفظ جوان که در فارسی متضاد پیر است خواننده را به اشتباه می‌افکند. دقت کنید: «بعضی علمای نصاری مانند سخن سنخ نکته دان پادری جوان و عارف روابط الفاظ و معانی توی بریو پادری بریو از مصدقات...» در فهرست کتابخانه بریتانیا هم نام دو پادری جداگانه ذکر شده است (Rieu, 1/4).

Carmelites -9

Philippo Guadagnolo -10

Bona Vanture malvalia -11

Chesavit -12

13- این کتاب به فارسی هم ترجمه شده است؛ الشیخ محمد جواد البلاغی، مدرسه سیار، ترجمه الرحلة المدرسة السیارة، ترجمه ع. و. (بی‌جا، نصر، بی‌تا).

14- لوی از یادداشت‌های شلمو کهن صدق نقل می‌کند که تأسیس جامعه یهود تهران در سال 5596 عبری / 1745 م در عصر نادرشاه انجام شد (ص 471).

Per Bazen -15

Wolff -16

Henry Martin -17

Sir Gore Ouzely -18

Lee -19

[Controversial tracts on christianity and Mohammadanism [Cambridge, 1924 -20].

Pfander -21

22- همنامی کتاب مارتین و فاندِر این شبهه را ایجاد کرده است که شاید فاندِر همان فیلیپ بوده است که مارتین کتابش را بر اساس کتاب او تنظیم کرده است. (ر. ک: مصقل صفا، تصحیح ناجی، ص 33، قسمت پانوشته) اما با توجه به مناظره‌ای که بین شیخ رحمت الله هندی در سال 1270 و فاندِر وجود داشته، مشخص می‌شود که او نمی‌تواند فیلیپ - که سالها قبل از مارتین (متوفی 1227) می‌زیسته - باشد.

23- ورتن از متعصبین مسیحی بود که کتابی در سال 1837 م در بوستن چاپ کرد و در آن حتی المقدور از انجیل و کتب مقدس

حمایت کرده است (میرزا یوسف تبریزی، لسان الحقّ فی اثبات مظالم المسیحیین، تبریز، اسکندانی، 1336، ص 2-221).

24- ماکس مولر شش دین بزرگ جهان را به دو دسته تقسیم کرده است که این تقسیم بندی امروز نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. یکی از ادیان تبلیغی و دیگری ادیان غیر تبلیغی که در ذیل دسته اول بودائیت، مسیحیت و اسلام است و تحت عنوان دوّم یهودیت، برهمنی و زردشتی است. (آرنولد، توماس، چگونگی گسترش اسلام، ترجمه حبیب الله عاشوری، سلمان، بی‌تا).

25- در اسرائیل بین خاخام بزرگ و دولت اسرائیل نزاع بر سر اینکه چه کسی یهودی است درگرفت از نظر حکومت و دیوانه‌های اسرائیل هر اسرائیلی یهودی محسوب می‌شد. رلی خاخام بزرگ هر یهودی را که از پدر و مادر یهودی و مورد قبل‌کنیسه سنتی، زاده نشده باشد بی‌اعتبار دانست (ظفر الاسلام خان، 36، ح).

26- راین از قول دکتر کتابچی از ارمنه معروف تهران نقل می‌کند: «یران همیشه در باره رعایای غیر مسلمانان و مخصوصاً ارمنه دارای سیاست آزادانه‌ای بوده است که دولتهای اروپائی خوب بود آن را سرمشق قرار دهند.» این مقاله در سال 1917 چاپ شد و بعد توسط تقی زاده به فارسی ترجمه گردید (ر.ک. ایرانیان ارمنی، ص 15).